



### نشانه های ظهور حضرت حجت (عج) متمم و مکمل بینات دینی هستند

پژوهشگر حوزه مهدویت گفت: اگر مومنان از مسئله مهدویت غفلت کردند و برای عموم بینات و آموزه های دین را مطرح نکردند یا خودشان غفلت کردند نشانه ها راحت الحلقوم هستند.

پژوهشگر حوزه مهدویت گفت: اگر مومنان از مسئله مهدویت غفلت کردند و برای عموم بینات و آموزه های دین را مطرح نکردند یا خودشان غفلت کردند نشانه ها راحت الحلقوم هستند. همچنین در فضای غبار آلودی که نمی شود به بینات ارجاع داد اینجا هم می توان به نشانه ها مراجعه کرد.

به گزارش خبرنگار مهر، چهارمین نشست تخصصی از سلسله نشست های آزاد اندیشی با عنوان رویکرد نشانه های ظهور با سخنان حجت الاسلام و المسلمین نصرت الله آیتی محقق و پژوهشگر مهدویت صبح امروز شنبه 11 آبان ماه در پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات برگزار شد.

آیتی گفت: باید ببینیم بحث و طرح نشانه های ظهور در بحث مجموعه معارف مهدویت چه نمره ای را می گیرد و قد و قواره های آن تا چه اندازه است. بر خلاف تصور عوام که در پس زمینه ذهنشان نمره بالایی به نشانه های ظهور در مجموعه معارف مهدویت می دهند و همیشه در صدد این هستند که بدانند نشانه های ظهور چه چیزهایی هستند و گویا اندیشه مهدویت را در نشانه ای ظهور خلاصه می کنند؛ نشانه های ظهور در بحث مهدویت از چنین نمره بالایی برخوردار نمی باشد.

وی افزود: ائمه معصومین(ع) یا خودشان یا در پرسشهایی که از ایشان می شد بحث نشانه های ظهور را طرح کرده اند که طرح نشانه های ظهور کارکردها و هدف هایی دارد. عمده اهداف و کارکردها این است که مؤمنان از غفلت در بیایند و به امید برسند و مدعیان را بشناسند و در شیعه هیچ مؤمنی از امامش غفلت نخواهد کرد و اگر نشانه های ظهور هم نبود آنقدر بینات و عمومیات دین داریم که امید مؤمنان مأیوس نمی شد.

این پژوهشگر حوزه مهدویت تصریح کرد: در اصول کافی شیخ کلینی بابی دارد با نام الاضطرار الحجة که بیان می کند آدمی در زمان خودش نه تنها محتاج به امام زمانش است بلکه مضطر به اوست. نیاز آدمی به امام از هوا و آبی که مصرف می کند حتی بیشتر است. کسی که با این معارف زندگی می کند خیلی لنگ نشانه های ظهور نیست. آنقدر در دین بینات و شواهد روشن داریم که لنگ نشانه ها نمی مانیم. نشانه ها به عنوان مکمل و متمم این بینات و عمومیات هستند.

آیتی افزود: نشانه ها یکی برای این است که اگر مومنان از مسئله مهدویت غفلت کردند و برای عموم بینات و آموزه های دین را مطرح نکردند یا خودشان غفلت کردند نشانه ها راحت الحلقوم هستند. دوم اینکه در فضای غبار آلودی که نمی شود به بینات ارجاع داد اینجا هم می توان به نشانه ها مراجعه کرد. بر همین اساس نشانه هایی داریم که ما را به امید ظهور حضرت حجت (عج) می رساند در فضایی که دستمان از بینات خالی است و فضا غبار آلود بود این نشانه ها هستند که ما را به حق رهنمون می کنند.

وی در ادامه تفاوت های بینات و نشانه ها را بیان کرد و گفت: بینات اصل هستند اما نشانه ها مکمل و متمم هستند. دوم اینکه بینات و اصول کلی دین در همه شرایط به کار می آید اما نشانه ها در مواقع خاصی به کار می آیند. نشانه ها از ضعف سند و دلالت رنج می برند. اگر مشکل سندیت و دلالت حدیث هم نداشته باشیم مشکل تعیین مصداق داریم یعنی آیا شخصی که در یمین قیام می کند یا کرده همان یمانی در حدیث ها است.

این محقق و پژوهشگر حوزه مهدویت عنوان کرد: تفاوت سوم این است که حداقل بخشی از نشانه ها قابلیت تأویل و تفسیر دارند. برای مثال در حدیث پیامبر که فرمود عمار بدست جبهه باطل کشته می شود مسلمانان منتظر بودند ببینند که چه کسی عمار را می کشد و بر ضد آن قیام کنند و عمار بدست معاویه کشته می شود ولی معاویه تفسیر می کند و می گوید برای اینکه علی، عمار را به جنگ وارد کرد او کشته شد. بنابراین علی عامل قتل عمار بوده است و عده ای را دچار شک و تردید کرد. تفسیر باطل قدرت تشخیص حق و باطل را از افراد می گیرد.

آیتی یادآور شد: در حدیثی که از امام صادق نقل شده است و یکی از پنج نشانه قطعی ظهور است صیحه ای آسمانی از آسمان توسط جبرئیل امین سر داده می شود که شیعیان علی بر حق هستند و انتهای همان روز هم شیطان صیحه ای در می دهد که عثمان و پیروان او حق هستند. امام صادق(ع) فرمودند مردم دچار تردید می شوند که رو به کدام جبهه بیاورند. امام فرمود کسانی که از قبل با فرهنگ اهل بیت(ع) آشنا هستند می توانند حق را از باطل تشخیص دهند. بنابراین نشانه ها هم با بینات

قابل تفسیر هستند. اینها همه نشان می دهند بیش از آنکه به دنبال نشانه ها باشیم باید به دنبال بینات و عمومیات دین باشیم.

این محقق و پژوهشگر حوزه مهدویت در ادامه بحث تطبیق ها را پیش کشید و گفت: ما در این حوزه واقعاً مشکل داریم عده ای در طول تاریخ مدعی شده اند که امام زمان هستند یا یمانی یا سفیانی و یا خراسانی نقل شده در احادیث هستند. در حوزه تطبیق هم سه مشکل داریم. یکی ضابطه مند نبودن مصداق ها. اینکه تطبیق ها بر اساس سلايق صورت می گیرد برای مثال گفته شده اگر عبدالله نامی بمیرد آقا ظهور می کند و برخی ها می گویند عبدالله همین ملک عبدالله پادشاه حال حاضر عربستان است. مشکل دوم این است که اکثریت قریب به اتفاق نشانه های ظهور قابلیت تکرار دارند تا حالا چندین نفر در یمن قیام کرده اند که گفته شده همان یمانی است. ممکن است در گذر تاریخ باز یمانی دیگری ظهور کند. مشکل سوم مشکل جعل مصداق است. یعنی ممکن است ایادی استعمار از صد سال قبل برنامه ریزی کرده و فلان شخص را با نام و ویژگی های یمانی پرورش بدهند. همین احادیثی که ما در باره نشانه های ظهور داریم جاسوسان بیگانه یک قدم جلوتر در این زمینه از ما هستند.

وی در ادامه بحث معیارها را پیش کشید و گفت: تطبیق ها باید همراه با یقین باشد. نشانه هایی مهم هستند که از خودشان تأثیرات وسیع اجتماعی بگذارند. به عنوان مثال سیل و زلزله نزدیک ظهور زیاد می شود تأثیرات اجتماعی وسیعی ندارند. اما اینها همه برای آماده بودن منتظران ضروری هستند. چه بسا ائمه نشانه هایی را گفتند که در هر عصری اتفاق می افتد و آن برای آمادگی منتظران است. اما اگر یمانی قیام کند تکلیفی بر عهده ماست که باید به جبهه بزرگ مومنان بپیوندیم و از یمانی حمایت کنیم و یا اگر سفیانی قیام کند باید به مکه برویم، این تأثیر وسیع اجتماعی دارد. اینجا دیگر بحث احتمال کارساز نیست. باید یقین داشت که یمانی همان یمانی است.

آیتی بیان داشت: سذب طاموس خودش را فرد حدیث امام صادق می پنداشت که به ابو بصیر فرمود در کار امت اسلام گشایشی نخواهد شد مگر آنکه فلان خاندان حکومت کند. این آدم متقی است و در داوری هایش رشوه نمی گیرد. برخی ها امام خمینی را ناظر بر این حدیث معرفی کرده اند. از حدیث امام محمد باقر هم که می گوید قومی از شرق سه دفعه قیام می کند دو دفعه به جایی نمی رسند اما دفعه سوم با شمشیر قیام می کنند و حق را مطالبه می کنند اما اینبار ایشان به جائز اعتنا نمی کنند. این حدیث را بر سه مصداق از دوره نهضت مشروطه تا انقلاب اسلامی بیان کرده اند.

وی افزود: شرط تطبیق احادیث بر یک فرد خاص این است که آن فرد تمام ویژگی های آن حدیث را دارا باشد. همه ویژگی هایی که در حدیث ذکر شده باید بالفعل داشته باشد. باز مشکل بعدی این است که حدیث را برای اثبات آن فرد، دستکاری و تأویل کنند تا روایت ساز آن شخص شود. یعنی به جای آنکه از حدیث به مصداق برسند از مصداق به حدیث برسند. در این صورت هر جا که چنین شد در مقام تطبیق قرار نداریم. شرط چهارم این است که در مقام تطبیق هیچ اصل و معیار دینی نباید صرف نظر شود. زیرا سایه کل دین بر نشانه های ظهور حاکم است. برای مثال یمانی شخص مثبتی است اما اگر موضع گیریهای منطبق بر دین نگرفت او آن یمانی اصلی نیست.

آیتی یادآور شد: تا اینجا دامنه تطبیق محدود و محدودتر شد اما هنوز مشکل جعل مصداق بر طرف نشده است. معیار پنجم این است که نشانه ها باید خودش یا معجزه باشد یا با معجزه پیوندی داشته باشند. صیحه آسمانی از نشانه های معجزه آسا است. این مسئله احتمال تکرار مصداق را از بین می برد باید گفت صیحه فقط یکبار اتفاق می افتد. بنابراین احتمال تکرار مصداق هم حل می شود. و صیحه تکرار پذیر نیست.